

### بررسی میزان اثرگذاری سازمان و کسب و کارها بر اقتصاد کشور

فرشید رستم زاده

مدرس دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی ارومیه، دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی

[rostamzadehfarshid@yahoo.com](mailto:rostamzadehfarshid@yahoo.com)

نوشین رستم زاده

هنرآموز رشته حسابداری

[rostamzadenoshin@gmail.com](mailto:rostamzadenoshin@gmail.com)

سونا اسدی

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

[sona.asadi62@gmail.com](mailto:sona.asadi62@gmail.com)

1

#### چکیده

سازمان‌ها از جمله عواملی هستند که تأثیر کبیری بر اقتصاد یک کشور دارند. سازمان‌ها با تولید کالا و خدمات، اشتغال زایی، جذب سرمایه گذاری و افزایش تولیدات داخلی به رشد و پیشرفت اقتصاد کشور کمک می‌کند. این تأثیر از طریق ارتباطات سازمانی، سیاست گذاری و مدیریت منابع مالی، انسانی و مادی صورت می‌گیرد. بنابراین در نظر داشتن نقش سازمان‌ها و تأثیرات آنها بر اقتصاد یک کشور از اهمیت بسیاری برخوردار است. در مقاله حاضر به بررسی تأثیر سازمان‌های خصوصی و دولتی بر اقتصاد کشور می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** کسب و کار، سازمان‌ها، رشد اقتصادی، تجارت.

#### مقدمه

اقتصاد یک کشور تحت تأثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد و سازمان‌ها به عنوان یکی از پر سابقه‌ترین و مهم‌ترین عوامل خود به عنوان تأثیرگذاران عمده در اقتصاد کشورها شناخته می‌شوند. اثرگذاری سازمان‌ها بر اقتصاد کشور در ابعاد مختلف مطرح است؛ برای مثال، بر اشتغال و نرخ بیکاری، مصرف، رقابت، سرمایه‌گذاری، بازاریابی و دیگر زمینه‌های مربوط به اقتصاد کشور، تأثیر می‌گذارد. در حوزه اشتغال، تأثیرات سازمان‌ها بسیار حائز اهمیت است. سازمان‌ها با ایجاد اشتغال به توسعه و پایداری اقتصاد کمک می‌کنند و در کاهش بیکاری و آسیب‌های اجتماعی نقش موثری دارند. به طور کلی، ایجاد اشتغال با توجه به شرایط بازار کاری سازمان‌ها تلفیقی از سرمایه‌گذاری و استفاده از منابع طبیعی کشور را به همراه دارد تا برای فراهم کردن شرایط اشتغال برای همه وضعیت خوبی به وجود آید. سازمان‌ها همچنین تأثیرات قوی در زمینه رقابت پذیری و بهبود کیفیت محصولات یا خدمات دارند. با توجه به تعداد زیاد سازمان‌ها در هر بخش، رقابت بین آن‌ها بسیار بالاست و بهبود راندمان و کیفیت محصولات یا خدمات به دنبال خواهد داشت. در زمینه سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها به عنوان نهادهای حقوقی و ابزار برای جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد محصول جدید و کسب بازار به کار می‌روند. اگر سازمانی قدرت و منابع بیشتری داشته باشد، این بهتری نتیجه را به همراه خواهد داشت. تأثیرات سازمان‌ها در بازارهای بین‌المللی نیز بسیار حائز اهمیت است. با وجود سطح بالای رقابت در بازارهای

بین‌المللی، سازمان‌ها برای جذب بازارهای جدید و بهبود شرایط فروشگاه‌ها، تبلیغات و فروش دست به اقداماتی می‌زنند که در نهایت به افزایش درآمد و یافتن رمز موفقیت در بازارهای بین‌المللی منجر خواهد شد. بنابراین استفاده از پتانسیل سازمان‌ها به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر روی اقتصاد کشور، یک راهکار اساسی برای دستیابی به اهداف اقتصادی است و در نظر داشتن این مسئله به منظور پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی کشور ضروری است.

## اهمیت پژوهش

امروزه توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به عنوان یکی از ارکان کلیدی در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی شناخته شده است. اهمیت نقش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصادهای ملی، ریشه در پتانسیل‌ها و مزایای متعدد فعالیت آنها دارد؛ از شاخص‌ترین مزیت‌های حضور کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصاد می‌توان ایجاد اشتغال با سرمایه‌گذاری کم، تحریک نوآوری، پویایی بخشیدن به صنعت، تقویت رقابت‌پذیری، جلوگیری از انحصارگرایی شرکت‌های بزرگ، ایجاد توازن اقتصادی منطقه‌ای، و انعطاف‌پذیری در برابر نوسانات اقتصادی را برشمرد. در توضیح اهمیت جایگاه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصاد جهانی باید اشاره داشت که دست‌کم ۹۵ درصد از کسب‌وکارهای ثبت شده در سراسر جهان از نوع کوچک و متوسط می‌باشند که این رقم در اروپا بالغ بر ۹۹ درصد است. در اقتصادهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup> کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ۶۰ تا ۷۰ درصد از اشتغال را به خود اختصاص داده و سهم اعظم را در ایجاد مشاغل جدید بر عهده دارند؛ همچنین این کسب‌وکارها غالب بنگاه‌های اقتصادی اتحادیه ملت‌های جنوب شرق آسیا<sup>۲</sup> را تشکیل می‌دهند و در ۷۴ درصد از اشتغال کل و قریب به ۴۱ درصد از تولید ناخالص داخلی این اقتصادها مشارکت دارند. طی سال‌های اخیر، ارتباط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با رشد اقتصادی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و همچنین سیاستگذاران اقتصادی قرار گرفته است. «بخش صنعت» به دلیل دارا بودن پیوندهای پسین و پیشین با سایر بخش‌ها، یکی از بخش‌های مهم و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی و همچنین یکی از عرصه‌های مهم برای فعالیت کارگاه‌های کوچک و متوسط به شمار می‌رود. در اقتصاد ایران، کارگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط با در اختیار داشتن بیش از ۸۵ درصد از تعداد کل کارگاه‌های صنعتی کشور، به‌طور متوسط سهمی در حدود ۳۳ درصد از اشتغال و ۱۴ درصد از ارزش‌افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر را طی سال‌های ۹۳-۱۳۸۳ به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در پایان سال ۱۳۹۴ سهم صنایع کوچک و متوسط از کل تعداد طرح‌های در دست اجرا در بخش صنعت و معدن، رقم قابل‌توجه ۹۵ درصد بوده که بدین ترتیب، سهم قابل‌توجه واحدهای صنعتی کوچک و متوسط در ساختار صنایع ایران به‌وضوح مشهود است. این در حالی است که طبق گزارش سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، سهم صنایع کوچک در ارزش تولیدات و صادرات به ترتیب ۱۷ و ۱۰ درصد ارزیابی شده است. این امر بدان معناست که صنایع بزرگ کشور علی‌رغم در اختیار داشتن تعداد محدودی از کارگاه‌های صنعتی، سهم غالب را در ایجاد ارزش‌افزوده، اشتغال، ارزش تولیدات و صادرات بخش صنعت به خود اختصاص داده‌اند که نتیجه‌ای قابل‌تأمل به نظر می‌رسد. با عنایت به آن که دستیابی به رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا با متوسط رشد ۸ درصدی از اهداف مورد تأکید در برنامه ششم توسعه عنوان گردیده است و از سوی دیگر، بخش صنعت یکی از بخش‌های اقتصادی محرک و پیشران در اقتصاد ایران به شمار می‌رود، ضرورت توجه به واحدهای صنعتی کوچک و متوسط و شناسایی کانال‌های اثرگذاری آنها بر رشد ارزش‌افزوده بخش صنعت، به وضوح قابل دریافت است. تقویت عملکرد صنایع کوچک و متوسط و بازتاب آن در عملکرد بخش صنعت، در حقیقت راهکاری است که می‌تواند در توسعه صادرات غیرنفتی، افزایش مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی، ایجاد اشتغال پایدار و در نهایت، دستیابی به افق اقتصادی ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ مؤثر واقع شود.

۱. OECD

۲. ASEAN

### مفهوم سازمان

سازمان پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌آید که به طوری آگاهانه هم آهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخص می‌باشد و برای تحقق هدف یا اهدافی بر اساس یک سلسله مبانی دایمی فعالیت می‌کند [1]. سازمان به طور کلی عبارت است از روابط منظم افرادی که تحت سلسله مراتب مختلف دارای وظایف گوناگون می‌باشند، ولی برای رسیدن به هدف مشترکی همکاری دارند [2]. به عبارتی نهادی اجتماعی محسوب می‌شوند که مبتنی بر هدف بوده و ساختارشان به صورت آگاهانه طرح ریزی شده و دارای سیستم‌های فعال هستند و سرانجام با محیط خارجی در ارتباط اند [3]. که نظریه پردازان سازمانی را به خود جلب کرده اند و بیش از چند دهه است که موضوع تحقیق مدیریت و طراحی سازمان هاست در این راستا بسیاری از سازمان‌ها تغییر مدیران را عامل موثر در کارایی و اثر بخشی سازمان تلقی کرده و با نگرشی مثبت به آن نگرسته و به جست و جوی اثرات تغییر و تعویض مدیران و سنخ شناسی جانشینان مدیر پرداخته اند و مدیران جدید را عامل تغییر معرفی کرده اند [4]. بسیاری از کارشناسان معتقدند که اگر نقل و جابه جایی به طور صحیح انجام شود، نه تنها اثر بخشی سازمان را بالا میبرد بلکه سازمان را از رکود و یکنواختی خارج می‌کند و باعث رضایت کارکنان و در نتیجه افزایش کارایی و اثر بخشی مؤسسه می‌گردد [5] از سویی دیگر جابه جایی مورد نکوهش قرار گرفته است. برای مثال فایول در اصول چهاردهگانه‌ی خود به اصل ثبات تأکید می‌کند و معتقد است که کارمند برای تطبیق خود با محیط و خواسته‌های سازمان به زمان نیاز دارد و پس از تسلط بر کار به بهره برداری میرسد [6]. در بررسی کارایی سازمان مدیران باید مجهز به توانایی و شایستگی‌های بالقوه، دانش و تجربه و مهارت‌های ارتباطی اجتماعی بوده و نسبت به وضع منابع انسانی خود نیز مطلع باشند. از طرفی مدیرانی که طولانی مدت در یک سازمان ثابت می‌مانند، در طول زمان، محیط خود را به اندازه‌ی کافی می‌شناسند و نیروی انسانی، نیروی فیزیکی سازمان، امور اجرایی، نیازها و امکانات را به خوبی مورد بررسی قرار می‌دهند. طبیعی است چنین شناختی در طول زمان حاصل می‌شود به طور کلی در مؤسسه‌هایی که کار آنها رونق دارد کارمندان کادر رهبری ثابت اند. در حالی که در مؤسسات ضعیف و منحط دائماً در حال تغییرند و ثباتی ندارند عدم ثبات کارکنان هم علت خرابی امور مؤسسه است و هم معلول آن از طرفی دوره آزمایش و آشنایی یک رئیس معمولاً هزینه زیادی در بر دارد [7].

3

### مفهوم کارآفرینی و ایجاد کسب و کار

امروزه، کارآفرینی به عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی می‌تواند در رشد اقتصادی کشورها ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی نقش مهمی را بر عهده داشته باشد [8]. در همین راستا ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط<sup>۳</sup> و حمایت از آنها یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه یافته است چرا که بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط در ایجاد فرصت‌های کارآفرینی و فراهم کردن بستر مناسب برای نوآوری و افزایش صادرات نقش مهمی دارند [9]، حتی امروزه با تغییرات محتوایی و کیفی بسیار زیادی که در بازارهای جهانی رخ داده و دیدگاه ویژه‌ای که به مشتری محوری در کنار جهانی شدن بازارها می‌نگرد ساختارهای صنعتی تولیدکنندگان را در جهت تغییر پیش برده و SME'S را رو به رشد قرار داده است [10]. توسعه SME‌ها و خلق فرصت‌ها SME‌ها از طریق کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تاثیر گذار هستند. [11]. و همچنین راحت تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریعتر واکنش نشان دهند، [12]. بنابراین تحولات اخیر و بویژه فشارهای جمعیتی نوآوری‌های لحظه به لحظه، پیچیده تر شدن فرایندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری نیاز به تصمیم‌گیری‌های آنی و ضروری و تجارب حاصل از فعالیت‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط اهمیت این بنگاه‌ها را نمایان ساخته است [13] و در این

3. SME

شرایط، ایجاد فرصت های رشد برای صنایع کوچک و متوسط ممکن الحصول تر و راحت تر از توسعه صنایع بزرگ است [14] ، به نقل از اکس، (۱۳۸۳) جونزو همکارانش (۲۰۰۳) [15] نشان دادند که قابلیت های کار آفرینی، فاکتور مهمی در توسعه شرکت ها و خلق فرصت های کار آفرینی است. [16]. بومان (۲۰۰۳) [17] هم نتیجه گرفت که کار آفرینی، فرایند شناسایی و خلق فرصت ها در بازار و بهره برداری با استفاده از منابع مورد نیاز برای راه اندازی و عملیاتی کردن آن فرصت هاست [18]. فولی (۲۰۰۵) [18] ماندگاری و رونق کسب و کار را در کارآفرینی می داند، از این رو در دستیابی به اهداف آرمانی سند چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران و نیز تحقق کامل اهداف برنامه های توسعه، توسعه کارآفرینی به عنوان عامل و محرک اصلی محسوب می شود. هندرسن (۲۰۰۲) بیان می کند کارآفرینان به طور قابل ملاحظه ای روی سطح فعالیتهای اقتصادی از طریق ایجاد مشاغل جدید اثر دارند [19]. به طوری که بسیاری از کارآفرینان کار خود را در قالب ایجاد شرکت های کوچک و متوسط شروع کنند. این شرکتها سهم به سزای یدر توسعه صنایع پیشرفته و ایجاد اشتغال دارند و نسبت به شرکت های بزرگ از انعطاف پذیری بالایی برخوردار بوده و در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان مهمترین برنامه اجرایی برای دستیابی به توزیع عادلانه درآمد و ثروت ایجاد اشتغال، افزایش بهره وری و رشد اقتصادی محسوب می شوند و با فراهم کردن بستر مناسب برای کارآفرینی و نوآوری علل جذب و هدایت سرمایه ها در مسیر توسعه اقتصادی کشور به حساب می آیند. [20]. بسیاری از دولت ها متقاعد شده اند که باید بستر رشد را برای واحدهای کوچک و متوسط در قالب انکوباتورها (مراکز رشد فناوری) پارک های صنعتی و فناوری فراهم نمایند و آنها را تا زمانی که بتوانند به صورت یک شرکت مستقل وارد بازار شوند حمایت کنند، [21]. در کشورهای جنوب شرقی آسیا ۹۵٪ کل بنیادهای اقتصادی و صنعتی کشورها را SMEها تشکیل داده و به عنوان رکن اساسی در اقتصاد و اشتغال این کشورها تاثیر گذار هستند (موسوی ۱۳۸۷) به طوری که کسب و کارهای کوچکی که به اجرا درآمده نقش مهمی در رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی آنان دارد. این امر منجر به افزایش ثروت در جامعه کاهش فقر و ایجاد فرصت های شغلی بیشتر شده و تعداد بیشتری از جوانان به سمت خوداشتغالی و تقویت روحیه خوداتکایی روی آورده اند. در کشور ما یکی از راهبردهای موثر در مواجهه با چالش های کسب و کار استفاده از سرمایه های انسانی ارتقای بهره وری و توانمند سازی بنگاه های کسب و کار در کشور است (مظفری ، ۱۳۸۶). از این رو توجه و روی آوردن به رشد و گسترش صنایع کوچک زود بازده و کارآفرین به عنوان یکی از راه های توسعه اقتصادی همواره مورد توجه بوده است. نیاز به سرمایه اندک بازده بالا و انعطاف پذیری توجیه اقتصادی صنایع کوچک را بیش از پیش نمایان می کند. از اینرو و در حالی که دولت نهم بر لزوم کارآفرینی و توسعه صنایع پایین دستی به عنوان تنها راه استراتژیک کارآفرینی در کنار ایجاد ارزش افزوده تأکید دارد، می توان اهمیت نقش و گسترش بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط را در صنایع به روشنی دریافت. در حال حاضر سرمایه گذاری در بیشتر استان های کشور به سمت بنگاه های کوچک و متوسط سوق داده شده است به طوری که کشور ما دارای قریب به ۱/۵ میلیون کارگاه کوچک و متوسط و ۳۶۵ هزار کارگاه زیر ۶ نفر است این گونه شرکتها حدود ۳۰ درصد از ارزش تولیدات صنعتی را ایجاد می کنند. ۶۳ درصد اشتغال کشور از طریق این بنگاه ها ایجاد می شود و آنها ۵۱ تا ۵۲ درصد در اقتصاد کشور سهم دارند، [22]. برای مثال در استان سمنان صنایع کوچک و متوسط بیش از ۹۸ درصد کل واحدهای صنعتی استان را تشکیل می دهند و به طور متوسط، ۹۷ درصد اشتغال بخش صنعت توسط این صنایع ایجاد شده است [23].

## مفهوم SME

اصطلاح "SME" (شرکت های کوچک و متوسط) تعاریف و اقدامات مختلفی را در بر می گیرد. در کشورهای عضو OECD، اشتغال پرکاربردترین معیار برای تعیین اندازه شرکت است. SME ها معمولاً به عنوان شرکت هایی با کمتر از ۵۰۰ کارمند تعریف می شوند، اگرچه تعدادی از کشورها (از جمله کشورهای اتحادیه اروپا) از نقطه برش پایین ۲۵۰ استفاده می کنند.

### اشتغال و ایجاد شغل

واضح است که SMEها نقش مهمی در همه اقتصادهای OECD ایفا می کنند: آنها بیش از ۹۵ درصد از شرکت ها را تشکیل می دهند و ۶۰ تا ۷۰ درصد مشاغل را در اکثر کشورهای OECD تشکیل می دهند. این سهم در بخش تولید تا حدودی کمتر است، اگرچه بین ۴۰ تا ۸۰ درصد از اشتغال در بخش تولید متغیر است. با توجه به اینکه موسسات یا شرکت های بخش خدمات معمولاً اندازه متوسط کوچک تری نسبت به تولید دارند، سهم کلی شرکت های کوچک در اشتغال و تولید ممکن است حتی بیشتر باشد. به عنوان مثال، تجارت عمده و خرده فروشی و هتل ها و رستوران ها تحت سلطه SMEها هستند. در ساخت و ساز، شرکت های کوچک و متوسط ۸۰ تا ۹۰ درصد از کل اشتغال را تشکیل می دهند. این واقعیت که این صنایع در اشتغال کلی به چشم می خورند، بر اهمیت SMEها به عنوان منابع اشتغال تاکید می کند. علاوه بر این، سهم شرکت های بزرگ در اشتغال و تولید روند کاهشی مشخصی را نشان می دهد. اهمیت موسسات کوچکتر در پویایی شغل اغلب بر اساس تغییرات خاص اشتغال ارزیابی می شود. از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، در همه کشورها، مؤسسات کوچک (کمتر از ۱۰۰ کارمند) رشد اشتغال خاص سریع تری نسبت به مؤسسات بزرگ نشان دادند [24].

### اهمیت توسعه کسب و کارها

توسعه صنایع کوچک و تکنولوژی های متوسط می تواند به عنوان راهبرد مناسب برای کشور و استان سمنان مطرح باشد و از طریق رفع فقر، افزایش درآمد، ایجاد فرصتهای شغلی برای نیروی انسانی غیر ماهر انباشت سرمایه از طریق افزایش بازدهی بهبود بهره وری در بخش روستایی و همچنین از طریق جلوگیری از گسترش شهر نشینی و مهاجرت های بی رویه به فرآیند توسعه کشور از ابعاد اقتصادی و اجتماعی کمک نموده و رشد اقتصادی را تسریع بخشد. تجزیه و تحلیل های آماری در خصوص وضعیت SMEها و خلق فرصت های کارآفرینی در کشور نشان می دهد که بر اساس خروجی آزمون های همبستگی بین وضعیت تکنولوژی پیشرفته و ماشین آلات جدید (فناوری تولید)، درجه تخصص و آگاهی نیروی کار، شیوه های مدیریتی، وضعیت کیفی کالای تولید شده، نحوه حمایت مؤسسات مالی، فعالیت های صادراتی، تنوع و نوآوری در تولید محصولات جدید و پذیرش ریسک SMEها و خلق فرصت های کارآفرینی رابطه وجود داشته. اساس خروجی های آزمون ساین وضعیت تکنولوژی و بر پیشرفته و ماشین آلات جدید فناوری تولید، درجه تخصص و آگاهی نیروی کار، شیوه های مدیریتی، وضعیت کیفی کالای تولید شده، نحوه حمایت مؤسسات مالی، فعالیت های صادراتی، تنوع و نوآوری در تولید محصولات جدید و پذیرش ریسک SMEها در خلق فرصت های کارآفرینی، تأثیر داشته که این مطلب از خروجی های آزمون کالموگراف - اسمیرنوف و از دیدگاه کارآفرینان، قابل دریافت است.

### توسعه صنعتی

یکی از راه های توسعه ی صنعتی که در سال های اخیر مورد توجه کشورهای در حال توسعه ی و حتی توسعه یافته قرار گرفته روی آوردن به کوچک سازی صنایع و اتکا به گسترش صنایع کوچک و متوسط به عنوان موتور توسعه صنعتی و اقتصادی است. براساس گزارش یونیدو، ساختار ارزش افزوده ی صنعتی ایران طی سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۵ از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بوده است که این امر میتواند بر تغییرات ساختاری در بخش صنعت کشور در سال های اخیر دلالت داشته باشد بررسی عملکرد صنایع کوچک متوسط و بزرگ در اقتصاد ایران طی برنامه سوم توسعه ی در مقایسه با سال های دوم توسعه ی نشان دهنده ی این است که با افزایش نسبی تعداد صنایع متوسط، نقش این صنایع در خروجی صنعت بیش تر شده است که این امر میتواند بیان کننده ی ترمیم ساختار صنعتی از نظر الگوی توزیع بنگاه ها باشد. نتایج پژوهش های صورت گرفته (علوانی، ۲۰۰۷) نشان می



دهند که صنایع کوچک و متوسط تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی استان های کشور دارند که این تأثیر گذاری را می توان در انگیزه ی بالای نوآوری و ایجاد فرصت های شغلی جدید و دگرگون کردن ترکیب و ساختار اشتغال دانست. اعتبارات نیز اثری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارند که علت این تأثیر گذاری را می توان در این دانست که بخش اعتبارات از یک طرف موجب هدایت پس انداز به سمت سرمایه گذاری می شود و از طرف دیگر، بر کلیه ی عوامل بهره وری از جمله سطح تکنولوژی تأثیر می گذارد همچنین آموزش از جمله عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است. همچنین نتایج به دست آمده از پژوهش (احمدپور، ۲۰۰۵) نشان دهنده ی اثر مثبت و معنادار آموزش بر رشد اقتصادی است. تورم در هر کشور دلایل متفاوتی دارد از علل تورم در ایران نبود زیربنایها و زیرساخت های اقتصادی کسری بودجه ی مداوم دولت، افزایش نقدینگی بدون پشتوانه ی تولید و... است.

### نقش بنگاه ها در توسعه فعالیت های اقتصادی کشور

طبق تعریف فعالیت اقتصادی به فعالیتی اطلاق می شود که از طریق آن فرد یا گروهی از افراد جامعه با استفاده از فضا و مکان، تجهیزات، ابزار آلات، تسهیلات، دانش فنی، اطلاعات و مواد اولیه مورد نیاز مبادرت به تولید کالاها و یا ارائه خدمات می نمایند و دارای ویژگی های ذیل می باشد:

- تفکیک آن به اجزاء کوچکتر مقرون به صرفه نمی باشد.
- همراه با ارزش افزوده است.
- تولیدات یا خدمات متنوع، مشابه و معینی را ارائه می دهد.
- درآمد حاصل، معیشت افراد شاغل را تامین می نماید.
- استانداردهای مشخصی را دارا می باشد.

• در چارچوب قوانین و مقررات دولت و در یکی از ۳ بخش خصوصی، تعاونی و دولتی عمل می نماید.

نگاهی به نظام اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه یافته ی جهان نشان می دهد که ایجاد و حمایت از بنگاه های کوچک و متوسط یکی از اولویت های اساسی در برنامه های توسعه فعالیت های اقتصادی این کشورها است. این بنگاه های اقتصادی علی رغم آنکه به سرمایه گذاری کمتری نیاز دارند، بازدهی بیشتری داشته و در ایجاد اشتغال، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراعات و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند. این واحدها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ضمن دستیابی به اهداف اصلی توسعه، نقش تعیین کننده ای در گسترش و تنوع تولیدات صنعتی دارند و در اتمام به یک سری اهداف بنیادین همچون ایجاد اشتغال، ریشه کن کردن فقر، بهبود توزیع درآمد و برآوردن نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه، دارای نقش موثری هستند. در بسیاری از کشورها این صنایع، تامین کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری های جدید بوده اند. از سوی دیگر این صنایع به دلیل ویژگی های منحصر به فرد خود می تواند از جاذبه های فراوانی برای بخش خصوصی برخوردار باشد که این امر بسته به شرایط داخلی اقتصادی کشورها قوانین و سیاست های حمایتی در کشورهای مختلف به عنوان الگویی موفق برای توانمند سازی علمی و صنعتی معرفی شده است.

### مشاغل خانگی

امروزه مشاغل خانگی از اهمیت زیادی برخوردار است بسیاری از زنان و مردان می توانند در منزل به کسب درآمد بپردازند داشتن قابلیت بیش تر در ایجاد اشتغال توانایی جذب سرمایه های محدود و پراکنده ی جامعه، ایجاد زمینه بیش تر برای مشارکت بخش خصوصی بازگشت سریع سرمایه و زود بازده بودن و سرمایه بری کمتر و اشتغالزایی بیش تر از مزایای بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط است. توسعه ی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که معمولاً با اشتغال کمتر از ۱۵۰ کارگر ایجاد میشود میتوانند



نسخه ی شفاف‌بخش حل بخشی از معضلات بیکاری کشور باشد. واحدهای تولیدی کوچک و متوسط اگرچه به تولید کالاهای پیچیده اقدام نمی کنند این واحدها که معمولاً با نگاه بومی گسترش می یابند می توانند به توسعه ی اقتصادی و ایجاد اشتغال در کشور کمک کنند. هم چنین گسترش این واحدها با در نظر گرفتن شرایط بومی و منطقه ای هر استان می تواند سبب افزایش تولید بیشتر و کاهش بیکاری در استان شود. از این رو دولت باید راهکارهایی اتخاذ کند که براساس آن بستر مناسبی برای رشد و توسعه ی بنگاه های کوچک و متوسط ایجاد شود.

### مزیت‌ها و چالش‌های کسب و کارها (با تأکید بر چالش تأمین مالی)

اهمیت تأثیر کسب و کارهای کوچک و متوسط در اقتصاد اساساً ریشه در پتانسیل‌های متنوع و گستردگی مزایای حاصل از فعالیت آنها دارد؛ این در حالی است که با وجود مزایای متعدد اقتصادی-اجتماعی حاصل از نقش آفرینی کسب و کارهای کوچک و متوسط، آنها طی چرخه حیات خود با چالش‌های زیاد و به مراتب بیشتری نسبت به کسب و کارهای بزرگ دست به گریبان هستند. صنایع کوچک و متوسط ایران نیز از این قضیه مستثنی نبوده و در دوران فعالیت خود با چالش‌های متعدد در زمینه‌هایی چون تأمین مالی، بازاریابی، فناوری، کیفیت تولیدات، رقابت پذیری و بعضاً ضعیف بودن پیوندشان با صنایع بزرگ کشور دست به گریبان هستند؛ شدت این فشارها به حدی است که طبق برآوردهای به عمل آمده، معادل ۲۰ درصد بنگاه های جدید کوچک و متوسط که به بازار وارد می شوند، پس از یک سال از بازار خارج می شوند و ۵۰ درصد آنها پس از ۵ سال مجبور به خروج می شوند (پیروز و شفیعی ۱۳۹۵). از جمله مهمترین مشکلات این دسته از واحدهای صنعتی می توان به کمبود نقدینگی (۷۱ درصد)، کمبود بازار (۱۷ درصد)، گرانی مواد اولیه (۵ درصد)، نقصان ماشین آلات (۲ درصد) و برخی دیگر از موارد اشاره داشت. یکی از راهبردهای مؤثر در مواجهه با چالش های کسب و کار، استفاده از سرمایه های اقتصادی، ارتقای بهره‌وری و توانمندسازی کسب و کارهای کوچک است؛ از این رو، بسیاری از دولت ها متقاعد شده اند که از طریق برنامه‌ریزی‌های صحیح و اصولی، بستر رشد را برای واحدهای کوچک و متوسط فراهم کنند و آنها را تازمان تبدیل به شرکتی مستقل و توانمند مورد حمایت قرار دهند [۲۵].

### مزیت‌ها

ایجاد اشتغال با سرمایه گذاری کم، انعطاف پذیری ساختار مدیریتی در پذیرش طرح‌های نوآورانه، انعطاف پذیری صنایع کوچک و متوسط در مقابل تغییرات در بازارهای مصرفی و تنوع سلیقه مشتریان، پویایی بخشیدن به صنعت، تقویت رقابت پذیری، تمرکز زدایی (جلوگیری از انحصارگرایی شرکت‌های بزرگ)، توسعه مناطق کمتر توسعه یافته و ایجاد توازن اقتصادی منطقه‌ای، انعطاف پذیری در برابر نوسانات اقتصادی (کمک به تاب آوری اقتصادی)، توانایی تولید کالاها و قطعات مورد نیاز شرکت‌های بزرگ، کمک به توسعه صادرات و بهبود زنجیره ارزش

### محدودیت‌ها

محدودیت دسترسی به منابع تأمین مالی (به ویژه ناکافی بودن وثایق و اعتبارات)، عدم برخورداری از مهارت‌های لازم برای بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، ضعف در مهارت‌های حسابداری و مدیریتی، پایین بودن قدرت چانه‌زنی، دشواری تعامل بازارهای بین‌المللی و تولید کالاهای صادراتی استاندارد، دانش و اطلاعات ناکافی پیرامون پتانسیل‌های بازار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، به‌روز نبودن فناوری‌های تولید، پیچیدگی برخی از مقررات و تعدد فرآیندهای قانونی حوزه کسب و کار. صنایع کوچک و متوسط به طور ساختاری با پدیده محدودیت منابع اعم از انسانی و مادی روبه رو هستند محدودیت منابع، مسایل خاصی را برای آنها ایجاد می کند که برجسته ترین آنها کم توانی برای تولید و ناهماهنگی با افت و خیزهای بازار است در عین حال این بنگاه ها به دلیل محدودیت در منابع انسانی امکان جذب نیروهای تخصصی در همه بخش ها به ویژه حوزه های



اداری و اقتصادی را ندارند. این ویژگی ساختاری موجب شده تا سهم این نوسان در تولید ثروت کاهش یافته و منابع درگیر با آنها به نوعی زایل شوند. از سوی دیگر بنگاه های کوچک و متوسط در واقع حاصل اندیشه نو و تازه ای برای تولید هستند که معمولاً از سوی افراد کار آفرینی فعال می شوند که از تخصص های خاصی برخوردار هستند این مؤسسات دارای ابعاد گسترده در تولید و ارتقای محصول هستند اما برای تداوم کار نیاز به مجموعه ای همگناز بازاریابی مدیریت افزایش سرمایه ارتقای فن آوری و ... دارند که محدودیت های ساختاری آنان از موانع اصلی برای رفع این نیازها محسوب می شود. عامل دیگری که این صنایع را با دشواری روبه رو می کند، در اختیار نداشتن امکانات لازم برای توسعه محصولات است. این صنایع معمولاً در دوره های نخست فعالیت محصولی را تولید میکنند که مورد علاقه بازار است، اما به مرور زمان و به دلیل تنوع در تقاضا و ضرورت نوآوری محصولات تولید شده توسط آنان دیگر از رونق گذشته برخوردار نمی شود ناکامی آنان در عرصه رقابت با سایر محصولات که به دلیل عدم بهره گیری از امکانات ارتقای کیفیت محصول و مطالعه برای تولید مطلوبتر صورت می پذیرد فرآیند تداوم فعالیت را برای آنان با دشواری روبه رو می سازد. در واقع واحدهای R&D در مؤسسات اقتصادی بزرگ این مشکل را برای آنها به نوعی مرتفع می سازد و چون این مؤسسات در عرصه رقابت قادر به تأمین هزینه های لازم برای این نوع واحدها در مجموعه خود نیستند مجبور به خروج از بازار و در نهایت تعطیلی می شوند. از دیگر عوامل، عدم برخورداری از مهارت های مدیریت واحدهای اقتصادی است. این مؤسسات که معمولاً از سوی متخصصین و کارآفرینان (افراد فنی) تأسیس می شوند قادر به مدیریت منابع و هدایت جریان هزینه نیستند. صنایع کوچک و متوسط نوع پیشرفته ای از مدیریت را طلب می کنند که در آن قالب های نظم پذیری و نظم گیری از شکل تصاعد حسابی به هندسی تغییر ماهیت داده اند. در واقع رشد منطبق بر تصاعد هندسی به منظور تولید و کسب سود مورد توجه قرار می گیرد. در حالی که در کانون های سنتی اقتصادی، رویکردی منطبق بر قواعد واسطه گری حاکم است. مدیریت صنایع کوچک و متوسط با مدیریت ذکر شده به سبک کانون های اقتصادی واسطه گری و یا تحت مدیریت فرد کار آفرین و متخصص در چالش های بزرگی گرفتار می آید که دور نشدن از آنها الزامی اساسی برای تداوم فعالیت محسوب می شود. نداشتن توان ریسک و نوآوری شاید برجسته ترین تصویر مدیریت در کانون های سنتی باشد که در بنگاه های کوچک و متوسط نقش گرفته است. لذا مدیریت در این بنگاه ها نیازمند مدرن شدن است اما مدرنیته بدون عقلانیت نمی تواند در عرصه زندگی اجتماعی - اقتصادی سهم خود را جست و جو کند بهره گیری از روش های مدرن در مدیریت و سودآوری مبتنی بر تکنیک بنگاه های کوچک و متوسط استان را از رشد قابل توجهی برخوردار می کند. بنابراین برای دستیابی به یک بخش صنایع کوچک و متوسط شکوفا و پایدار برای تحقق یک ساختار حمایتی نهادینه و مناسب برای صنایع کوچک و متوسط که شامل خدمات مشاوره کسب و کار تامین اطلاعات آموزش، خدمات مالی و امثال آن می باشد که در حیطه وظایف مشترک دولت و بخش خصوصی است لازم خواهد بود که ظرفیت صنایع تقویت و توسعه یابد تا قدرت رقابت خود را افزایش دهند. این امر به رشد کسب و کار، آنان افزایش صادرات محصولات صنعتی و اشتغالزایی منجر خواهد شد.

### دیدگاه های موافق و مخالف اهمیت نقش کسب و کارها در اقتصاد

طی دهه های اخیر، علیرغم مزایای متعددی که از سوی اقتصاددانان برای کسب و کارهای کوچک و متوسط برشمرده شده است، مورد مقایسه قرار گرفتن این کسب و کارها در برابر کسب و کارهای بزرگ، بعضاً برخی از قابلیت های کسب و کارهای کوچک و متوسط را به چالش کشانده و طیفی از دیدگاه ها و استدلال های موافق و بعضاً مخالف را از سوی صاحب نظران به همراه داشته است که در ادامه به تبیین آنها پرداخته شده است.





### دیدگاه‌های موافق

- ۱) آدرش (۱۹۹۵) اذعان داشته است که بنگاه‌های جدید نه فقط برای افزایش تولید بلکه برای خدمت‌رسانی به عنوان «عاملان تغییر» وارد بازار می‌شوند. این امر دلالت بر آن دارد که بنگاه‌های کوچک (حداقل در برخی شرایط) اجتماعات کوچکی از شرکت‌های بزرگ نبوده‌اند، بلکه به عنوان عاملان تغییر از طریق فعالیت نوآورانه خدمات‌رسانی می‌نمایند [26]. این در حالی است که بنگاه‌های بزرگ، خود، بازارهای خود را در اختیار دارند بنابراین انگیزه‌ای برای ایجاد نوآوری نخواهند داشت. علاوه بر این، فرآیند دیوانسالارانه‌ای که ذاتاً در این صنایع (بزرگ) وجود دارد، سرعت انتقال اختراعات جدید را از درون شرکت به سمت بازار کسب‌وکار کاهش می‌دهد. روش به‌کارگیری نوآوری‌ها در صنایع بزرگ به سبب ساختار خاص این صنایع با آرامش و طبق برنامه‌ریزی میان‌مدت و یا بل‌ندمدت صورت می‌پذیرد. بنگاه‌های بزرگ بعضی از نوآوری‌ها را با توجه به شرایط بازار و استراتژی خود و قابلیت انعطاف ماشین‌آلات موجود به کار می‌گیرند و از بعضی دیگر صرف‌نظر می‌کنند؛ برعکس در بنگاه‌های کوچک این نوع محدودیت‌ها وجود ندارد، زیرا آن‌ها با هزینه‌های عمومی کم و ظرفیت محدود ماشین‌آلات، انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و به‌کارگیری ماشین‌آلات جدید با فناوری پیشرفته موجب افزایش این مزیت آن‌ها گشته و امکان رشد آن‌ها را ممکن می‌سازد.
- ۲) از نظر موافقان نقش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در رشد اقتصادی، بنگاه‌های بزرگ ممکن است با تکیه بر قدرت انحصاری خود در بازار، انگیزه کمتری در مقایسه با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط برای بهبود سطح بهره‌وری‌شان داشته باشند، بنابراین می‌توان انتظار داشت که مشارکت کسب‌وکارهای بزرگ در رشد اقتصادی محدود باشد [۲۷]. در تأیید این مطلب استدلال می‌شود که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دارای بهره‌وری بالاتری نسبت به بنگاه‌های بزرگ هستند، اما شکست بازارهای مالی و سایر نهادها مانع توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط گردیده است؛ از سوی دیگر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط رقابت و کارآفرینی را افزایش می‌دهند و بدین ترتیب منافع خارجی را در قالب رشد بهره‌وری کل، کارآئی اقتصادی فراگیر و نوآوری به ارمغان می‌آورند (همان).
- ۳) کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به نوعی یک منبع ارزش اقتصادی برای بنگاه‌های بزرگتر محسوب می‌شوند؛ به عنوان نمونه، بنگاه‌های بزرگ تا حد زیادی از بنگاه‌های کوچک به عنوان آزمایشگاه نوآوری خود منتفع می‌شوند و مراحل تحقیق و توسعه خود را به روش ingSource-Out انجام می‌دهند.
- ۴) کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کاربرتر هستند، لذا گسترش بخش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، اشتغال را (نسبت به بنگاه‌های بزرگ) بیشتر شکوفا می‌سازد.
- ۵) اگرچه صنایع بزرگ تنوع محصولات را در سیاست‌های تولیدی خود اعمال می‌کنند ولی عملاً نیروی خود را صرف حفظ موقعیت خود در بازار و تقویت آن می‌نمایند. بدین ترتیب در حالی که استراتژی تولیدکنندگان بزرگ رقابت تنگاتنگ با رقبای دیگر و حفظ سهم خود از بازار است، صنایع کوچک به‌سادگی می‌توانند در زمینه تولیدات جدید با سرعت اقدام نمایند؛ تولیدات جدیدی که بنگاه‌های بزرگ به سبب پیروی از منطق خاص رقابتی خود حداقل در مراحل اولیه از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنند.
- ۶) صنایع کوچک و متوسط و تعامل مؤثر آنها با صنایع بزرگ می‌تواند بستر مناسبی برای ایجاد صنایع بزرگ رقابت‌پذیر باشد؛ چه بسا بقای بسیاری از شرکت‌های بزرگ صنعتی در گرو تصاحب اندیشه‌های نوآورانه‌ای است که توسط سرمایه‌گذاران مخاطره‌جو از فکر به عمل می‌رسند. بنابراین صنایع کوچک، متوسط و بزرگ همگی مکمل یکدیگر بوده و غفلت از هر یک، منجر به نادیده گرفته شدن بخشی از نیازهای صنعتی یک اقتصاد خواهد گردید. در همین ارتباط باید اشاره داشت که مدل توسعه پیمانکاری فرعی یکی از موفق‌ترین مدل‌های توسعه‌ای است که تا کنون مطرح شده و از طریق آن، امکان ارتقاء همزمان و توأمان صنایع کوچک و صنایع بزرگ در کنار یکدیگر فراهم می‌گردد [۲۸].

### دیدگاه‌های مخالف

(۱) یکی از دیدگاه‌های مطرح شده در نقد اثربخشی بنگاه‌های کوچک و متوسط، مقیاس تولید آنها را در مرکز توجه قرار داده است. استدلال صورت گرفته حاکی از آن است که بر اساس نظریه صرفه‌های مقیاس، بنگاه‌های بزرگ از مزایای حاصل از صرفه‌های مقیاس خود در تولید بهره می‌جویند؛ بدین ترتیب پیش‌بینی می‌شود که افزایش در سهم بنگاه‌های بزرگ، پیشرفت اقتصادی را تحریک خواهد بخشید. طبق این دیدگاه مرسوم (که در اصل، به دوران انقلاب صنعتی بازمی‌گردد) تنها بنگاه‌های بزرگ قادرند الزامات کارآئی مقیاس را برآورده سازند، بنابراین در اقتصادهای رشدگرا جایی برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط وجود ندارد و انتظار می‌رود در آینده نقش آنها رو به افول باشد. علاوه بر این، بر اساس دیدگاه سنتی ایستا بنگاه‌های کوچک تحمیل‌کننده هزینه‌های مضاعف بر اقتصاد اند. این امر در نتیجه مقیاس تولید آنهاست که برای کارآئی بسیار کوچک است. طبق این دیدگاه، مقیاس ناکارآمد فعالیت منجر به سطوح پائین‌تر بهره‌وری و دستمزد پائین‌تر برای کارگران در بنگاه‌های کوچک می‌شود، لذا هرگونه سیاست‌هایی که فعالیت اقتصادی را از بنگاه‌های کوچک به سمت بنگاه‌های بزرگ بازگردانند باید مورد تشویق قرار گیرند چرا که بنگاه‌های بزرگ سطح استاندارد زندگی را افزایش خواهند داد. بدین ترتیب به دلیل آن که کارگران بنگاه‌های بزرگ دستمزد بالاتری کسب می‌کنند و هم‌چنین از مزایای بهتر و امنیت شغلی بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در بنگاه‌های کوچک برخوردارند در مجموع به نظر می‌رسد دارای بسته شغلی بهتری هستند (همان). در همین راستا برخی بر این عقیده‌اند که بنگاه‌های بزرگ مشاغلی با ثبات‌تر نسبت به بنگاه‌های کوچک فراهم می‌سازند که این امر می‌تواند پیامدی مثبت در جهت کاهش فقر باشد [37]. در این خصوص استدلال شده است که نرخ‌های پایین‌تر جدایی کارکنان (از بنگاه‌های بزرگ) دلالت بر آن دارد که مشاغل بنگاه‌های بزرگ، باثبات‌ترند [۲۹].

(۲) از منظری دیگر، برخی از نظریه‌پردازان منبع ایجاد نوآوری را تحقیق و توسعه می‌دانند. نظریه‌پردازان این دیدگاه (که شرکت‌های بزرگ را موتور تغییرات فناوری می‌دانند) معتقدند فعالیت‌های نوآورانه اغلب نیازمند صرف هزینه‌های ثابت اولیه زیادی در زمینه تحقیق و توسعه است [30]. که تنها در حجم فروش بالا قابل پوشش است؛ هم‌چنین به دلیل وجود منابع مالی در شرکت‌های بزرگ و برتری آنها در تحمل ریسک و نا اطمینانی که همراه نوآوری وجود دارد، فرصت‌های نوآورانه به صورت انحصاری به شرکت‌های بزرگ تعلق می‌گیرد (همان). در حقیقت، به دلیل آن که در صنایع بزرگ قابلیت ایجاد سود اقتصادی و رانت وجود دارد، امکان صرف هزینه روی تحقیق و توسعه میسر می‌شود؛ بدین طریق، نوآوری به خلق کالاهای جدید خواهد انجامید. طرفداران این دیدگاه هم‌چنین معتقدند بنگاه‌های بزرگ از ظرفیتی برخوردارند که به واسطه آن قادرند در آن واحد چندین پروژه تحقیق و توسعه را بپذیرند و ریسک پروژه‌ها را در قالب پورتفولیویی متنوع تقلیل دهند بنابراین بنگاه‌های کوچکی که خود را با مخارج تحقیق و توسعه درگیر نمایند به واسطه سرمایه‌گذاری بخش عظیمی از منابعشان در یک پروژه، تشکیلات خود را در معرض آسیب قرار می‌دهند.

(۳) دیدگاه مخالف دیگر در خصوص کارآئی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (که دیدگاه محیط کسب‌وکار نامیده شده است) نقش حیاتی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به تنهایی را مورد تردید قرار می‌دهد، اما در عوض بر اهمیت محیط کسب‌وکاری که با «کلیه» بنگاه‌ها اعم از بزرگ و کوچک مواجه است تأکید می‌ورزد [31].

### بحث و نتیجه‌گیری

طبق اطلاعات ارائه شده در پژوهش حاضر، به این نتایج دست یافتیم که سازمان‌ها و کسب و کرها به عنوان عوامل اقتصادی مهم با تاثیر عمیق بر اقتصاد کشور، نقش ویژه‌ای در توسعه و رشد اقتصادی دارند. با ایجاد اشتغال، رقابت، سرمایه‌گذاری و بازاریابی، این عوامل توسعه اقتصادی کشور را بهبود می‌بخشند و به عنوان عامل مهمی در کنترل بیکاری و رشد اقتصادی کشور



به شمار می روند. به همین دلیل، پرورش کسب و کارها و سازمان ها، در کنار سیاست های دگرگون کردن بخش های کلاسیک تولیدی و محدود کردن تراکم آنها، باید مورد توجه واقع شود تا توسعه اقتصادی کشور رونق گیرد.

### منابع

آخوندزاده، زهرا و محمد رضاجعفری (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نوسازی مدیریت منابع انسانی بر کارایی سازمان: مطالعه موردی صنعت شعله ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت دولتی، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۱۲۵-۱۴۶.

پیروز، الهام و افسانه شفیعی (۱۳۹۵)، ارتقای جایگاه بنگاه های کوچک و متوسط در زنجیره های ارزش جهانی: درس هایی برای ایران، تحولات جهانی صنعت، معدن و تجارت، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، شماره ۳۹.

توریک، روی (۱۳۸۳). صنایع کوچک و رشد اقتصادی، مقاله از کتاب «نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن». مترجم: جهانگیر مجیدی، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی رسا، تهران.

خانی، محمدسعید (۱۳۹۳)، ارایه یک مدل برای تعیین میزان اثر بخشی کارکنان داوطلب بر عملکرد سازمانی با تأکید بر نقش میانجی رفتار شهروندی سازمانی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت دولتی، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۵۳-۷۴.

رضائیان، عبدالحمید (۱۳۸۸)، بررسی شاخص های مؤثر بر ابعاد تجربه شغلی در سازمان های پزشکی تهران، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت دولتی، سال دوم، شماره ۷، صص ۷-۲۶.

11

سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران (۱۳۹۵)، معاونت صنایع کوچک، SME "ها: حال و آینده".

سلیمانی، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۴)، "رویکردها و مدل های توسعه صنایع کوچک در ایران"، انتشارات آیین محمود.

سازمان صنایع و معادن استان سمنان (۱۳۷۸). آمار و اطلاعات صنایع استان سمنان.

فایول، جورج (۱۳۷۳)، روانشناسی سازمانی، ترجمه محمود محمدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کی مراد، فرید و همکاران (۱۳۸۴)، "گزارش های تفصیلی طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور"، جلد اول: نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

گلقدشتی، مریم و محمدابراهیم آقابابائی (۱۳۹۷)، تأثیر منابع تأمین مالی بر رشد شرکت های کوچک و متوسط پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه اقتصاد مالی، سال دوازدهم شماره ۴۴، ۱۶۰-۱۴۳.

مظفری، مهدی (۱۳۸۶). صنایع کوچک در اقتصاد امروز، انتشارات مازیار، تهران.

موسوی، سید نصرالله (۱۳۷۸). تجارت جهانی و توسعه. نشر ماری، تهران.

نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، "خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی"، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

کی مراد، فرید و همکاران (۱۳۸۴)، "گزارش های تفصیلی طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور"، جلد اول: نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

موسوی، سید نصرالله (۱۳۷۹). اهمیت توسعه جهانی. نشر ماری، تهران.

Robbins, S.P. (2001). *Organizational Behavior*: 9th ed. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.

Ahmadpoor Daryani, M. 2005. *Entrepreneurship: definition, theories, models*. 2th ed. Pardis Company 57. Tehran, 156 p. (In Persian).

Alwani, M. 2007. *General Manager*: Reed Publishing. 440 p. (In Persian).

Beck, Thorsten, Demircuc-Kunt, Asli & Levine, Ross (2005), *SMEs, Growth and Poverty*, NBER Working Paper Series, 11224.

Cravo (2012), Acs and Audretsch (1988), Karadag (2015), Savlovschi and Robu (2011), Thurik and Wennekers (2004), Tewari et al. (2013), Katau (2014), Wignaraja (2015), Asian Development Bank (2015), Kruja (2013)

Daft, R.L. (2004). *Organization Theory and Design*: 8th ed. Cincinnati, OH: Thomson South-Western.

Dimen . A, (2004), *Utilizing Technology Transfer to Develop Small and Medium Enterprises*.

Edmiston, Kelly (2007), *The Role of Small and Large Businesses in Economic Development*, *Economic Review*, Second Quarter. 73-97



# 5<sup>th</sup> International Conference in Management & Industry

22 August 2023 - Online



Gorgiveski,(2005), Entrepreneurial Success:What it means to different type of entrepreneurs. European Conference on work and Organizational psychology, Istanbul.  
Hill . B,(2006), Innovation and small enterprises, New yourk.

HU, MING-WEN(2010), SMEs and Economic Growth: Entrepreneurship or Employment, ICIC Express,4 (6A), 2275-2280  
Karadeniz,E.E(2006), Entrepreneurship and Economic Development , Kocaeli Univeresity Working paper.  
Nair, K.R.G.,Pendey, Anu.(2006). Characteristics of entrepreneurs: An empirical Analysis Jornal of entrepreneurship.  
Nyroun . ,B. (2005). Management For Small and Medium Enterprises, National University of singapore The SME and information Technology – UNCTAD – 2000  
Dimen . A, (2004), Utilizing Technology Transfer to Develop Small and Medium Enterprises.  
[www.tpo.ir](http://www.tpo.ir)